

## قاعده اعراض و اثر آن بر زوال حق اختراع

میرقاسم جعفرزاده\* / عباس مرادی\*\*

### چکیده

در بیشتر نظام های حقوقی معاصر، «اعراض» به عنوان یکی از موجبات زوال حق مالکیت مورد شناسایی قرار گرفته و حتی نسبت به سایر حقوق نیز امکان پذیر می باشد. اما در فقه اسلامی و حقوق ایران، به صورت بسیار جزئی مورد اشاره قرار گرفته و هرگز تحت عنوانی مستقل، از آن بحث نشده است؛ لذا در این مقاله سعی بر آن شده تا با توجه به اقوال و آثار فقهای متقدم و معاصر، همچنین با توجه به عقاید حقوقدانان ایرانی، ابتدا آثار اعراض نسبت به اموال مادی مورد بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به این آثار، نتیجه اعراض از اموال فکری خصوصاً حق اختراع مطالعه گردد. در این تحقیق مشخص شد که اعراض از حق اختراع، همچون اعراض از سایر حقوق مانند حق ارتفاق و حق انتفاع، امکان پذیر بوده و پس از اعراض، بر خلاف اموال مادی، حق اختراع معرض عنه، از جمله اموال عمومی محسوب گردیده و تملک آن حتی توسط خود مخترع یا مالک قبلی نیز غیر ممکن خواهد بود.

**کلیدواژه:** قاعده اعراض، مالکیت فکری، حق اختراع، مباحات، اموال عمومی

\* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

\*\* دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی شیراز (نویسنده مسؤول) lawyer\_moradi@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۱۰ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۲/۳۱

## ۱- طرح بحث

حقوق ایران با پشتوانه ای که از فقه اسلامی دارد امروزه باید بتواند نسبت به مسائل مستحدثه ای چون حقوق مالکیت های فکری ورود پیدا کرده و با استناد به اصول مسلم فقهی و روایات ائمه اطهار (ع) پاسخ هر مسأله ای را بیابد تا تکلیف قانونگذاران در مواجهه با این مسائل از پیش روشن باشد. لذا یکی از اقدامات حقوقدانان و فقها در این زمینه آن است که با تشریک مساعی یکدیگر، گره از اینگونه مسائل بگشایند و چالش های فراروی ایشان را مرتفع سازند.

موضوع این مقاله نیز یکی از همان دست مسائلی است که نیازمند آن است تا با مطالعات حقوقی و فقهی، پاسخ پرسش های زیر مشخص شود. از جمله این که: آیا اعراض را می توان باعث سقوط یا زوال حق اختراع دانست؟ اگر اینچنین باشد، پس از اعراض، این حق چه وضعیت حقوقی پیدا خواهد کرد؟ آیا مانند همه اموال معرضه عنه از جمله مباحات قرار گرفته و توسط هر شخصی قابل تملک خواهد بود؛ یا این که در شمار اموال عمومی قرار گرفته و امکان تملک آن وجود ندارد؟

اعراض از اموال مادی در قانون مدنی و برخی از قوانین خاص همچون قانون ثبت، پذیرفته شده است؛ ولی درخصوص اموال فکری از جمله حق اختراع هیچ مقررّه ای وجود ندارد و تمامی سؤالات فوق بلاجواب مانده است؛ لذا بررسی تأثیر اعراض بر اینگونه از اموال ضروری به نظر می رسد. از طرفی در اغلب نظام های حقوقی معاصر، اعراض از اموال فکری مورد شناسایی قرار گرفته و برای اعمال آن، شرایط و قواعد خاصی تدوین یافته و صریحاً وضعیّت اینگونه از اموال بعد از اعراض مشخص شده است. لذا با توجه به این که قانونگذار ایرانی نیز دیر یا زود ناگزیر به وضع چنین مقررّه هایی خواهد بود، این تحقیق می تواند برای تبیین آثار اعراض بر اموال فکری مؤثر واقع گردد.

برای پاسخ به سؤالات مطروحه فوق ناگزیر مرور کوتاهی بر آثار اعراض بر اموال مادی در فقه و حقوق ایران می شود؛ تا با توجه به ادله امکان اعراض از اموال مادی، راهی برای پاسخ به این سؤال باز شود که آیا می توان از حق اختراع نیز اعراض نمود یا خیر؟ در نهایت با توجه به نتایج این بحث و بررسی ویژگی های اموال فکری، وضعیت حقوقی حق اختراع معروض عنه و تکلیف اشخاص، در مواجهه با اینگونه اموال نیز روشن می گردد.

## ۲- مفهوم و ماهیت اعراض<sup>۱</sup>

### ۲-۱- مفهوم اعراض

اعراض در لغت به معنای صرفنظر کردن، و روی گردانیدن و کراهت داشتن از چیزی آمده است (لغتنامه دهخدا) در فقه و حقوق نیز اعراض، به روی برتافتن از مال تحت تملک خویش به نیت ترک مالکیت، اعراض گفته می شود. (انصاری، ۱۳۸۸: ۳۵۸/۱) همچنین در خصوص تعریف حقوقی اعراض گفته اند: اعراض چشم پوشی مالک است از مال خود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۶۳). برخی نیز صرفنظر کردن از حق مالکیت را اعراض (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۷) و استعمال صحیح آن را «روی گردان شدن از ملک» دانسته اند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲/۲۴۰) و النهایه گفته اند اعراض عبارت است از اسقاط حق شخص نسبت به شیء، به اراده صاحب حق (شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

اعراض در فقه، یک عنوان خاص و کلی را به خود اختصاص نداده و به همین لحاظ، در خصوص این که آیا اعراض یک قاعده فقهی مستقل است یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. تنها برخی از فقهای معاصر از آن به عنوان یک قاعده فقهی بحث نموده اند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲/۲۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/۱۲۵؛ ایروانی، ۱۴۰۶:

1-Abandonment

قاعدهٔ اعراض و اثر آن بر زوال حقّ اختراع \_\_\_\_\_ ۷۰

(۲۱۶) و سایر فقها اکثراً در ابواب متفرقه و به طور اسطرادی و فقط در موارد خاصّ به طور جزئی از آن سخن به میان آورده اند (حلی، بی تا: ۲۵۶/۲-۲۶۱؛ حلی، ۱۳۸۹: ۱۲۳/۴؛ حرّ عاملی، بی تا: ۴۵۵/۲۵).

در قانون مدنی تعریفی از اعراض وجود ندارد، بلکه این عبارت تنها در ماده ۱۷۸ در خصوص اموال غرق شده بکار رفته است که به زعم یکی از نویسندگان قانون مدنی می توان آن را به سایر اموال نیز تعمیم داده و چنین استنباط کرد که «اعراض از هر مالی که سبب اسقاط حقّ مالکیت شود آن را در شمار مباحث قرار داده، فلذا به حیازت قابل تملک خواهد بود» (امامی، ۱۳۷۷: ۱۴۳/۱-۱۵۶).

## ۲-۲- ماهیت حقوقی اعراض

برخی، اعراض را مانند ابراء دانسته و چنین بیان می دارند که اعراض ایقاع، مسقط حقّ عینی است؛ همانند ابراء که مسقط حقّ دینی است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۷۲)؛ ایشان اعتقاد دارند که اعراض بیشتر در مورد رها کردن ملک و گذشتن از حقّ مالکیت بکار می رود، اما در سایر حقوق عینی (از جمله حقّ انتفاع و ارتفاق و رهن و تحجیر) نیز شایع است (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵۰۲). برخی نیز اعراض را یک عمل حقوقی یک طرفه، یعنی ایقاع می داند که به اراده صاحب حقّ واقع می شود و برای تحقق آن نیاز به ارادهٔ دیگری نمی باشد (شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۲).

در مقابل یکی دیگر از حقوقدانان، علی رغم این که ابتدا به ایقاع بودن اعراض اعتقاد داشته و لازمه اعمال آن را وجود قصد فعل به ترک مال و قصد نتیجه به خروج مال از مالکیت خود می داند، (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۹۳؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۶۳) ولی در یکی از آثار بعدی خود از این نظر عدول نموده و در حالی که خود اذعان می دارد که علامه در قواعد قصد اعراض را شرط دانسته، بیان می دارد که قصد اعراض و اسقاط در آن شرط نیست، پس قصد انشاء در آن وجود ندارد تا از ایقاعات باشد، لذا آن را ایقاع نمی داند! (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۱۹/۱).

اما با توجه به این که قانونگذار در ماده ۱۷۸ قانون مدنی، اعراض را نسبت به مالی که در دریا غرق شده موجب خروج از مالکیت مالک دانسته و آن را در شمار مباحات قراردادده و قابل تملک دانسته است، و این قاعده به زعم یکی از نویسندگان قانون مدنی از باب تمثیل بوده، و اعراض از هر مالی سبب اسقاط حق مالکیت می شود (امامی، ۱۳۷۷: ۱۴۳/۱-۱۵۶) و از طرفی انصراف از حق رهن در ماده ۷۸۷ ق.م و ماده ۱۳۱ آئین نامه اجرای اسناد رسمی نیز پیش بینی شده است، باید بپذیریم که قانونگذار بدینوسیله به این اختلافات پایان داده و اعراض را عملی حقوقی یک طرفه تلقی کرده است که واجد آثار حقوقی بوده و در نتیجه باید آن را ایقاع دانست؛ بنابراین اعراض، در صورتی واقع می شود که مقصود باشد و صرف رها کردن، سبب سقوط حق نخواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۲۱۸)؛ لذا باید به قصد اسقاط مالکیت از خود صورت بگیرد، و آلا ترک استفاده از مال نمی تواند به تنهایی اعراض محسوب گردد؛ اگرچه می تواند قرینه ای بر قصد مالک بر اسقاط مالکیت تلقی شود.

به قوانین فوق باید قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ و آئین نامه اجرایی مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره مشکل اراضی بایر مصوب ۱۳۶۱ و ماده ۱ و ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ که ترک مجرای آب و اراضی کشاورزی به مدت سه سال را در حکم اعراض دانسته و آن را متعلق به دولت می داند را نیز افزود.

با توجه به مطالبی که گذشت، برای دستیابی به شناخت دقیق تری از اعراض و آثار آن، مبانی فقهی این قاعده را نیز به طور خلاصه مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۳- مبانی فقهی قاعده اعراض

میان فقها، درباره تأثیر اعراض بر زوال مالکیت مالک، سه نظریه مطرح است؛ بعضی اعراض را به طور مطلق، موجب زوال مالکیت مالک می دانند (شعرانی، ۱۳۸۵: ۳۷۲)؛ برخی دیگر، چنین تأثیری برای آن قائل نیستند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۴۲)؛ و

گروه سوم نیز اعراض را صرفاً در اموال کوچک و کم ارزش، موجب زوال مالکیت مالک دانسته، ولی چنین تأثیری را در خصوص املاک و اموال غیر منقول، قائل نیستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۶۳؛ جیلانی، بی تا: ۵۷۸/۲؛ طباطبائی، ۱۴۱۲: ۴۱۳/۲) لذا اگر اعراض، یک حکم جزئی باشد، تعمیم آن به سایر موارد و تسری احکام اعراض به غیر مورد خاص آن، با مبانی فقه امامیه در تضادّ خواهد بود.

حال با بیان خلاصه ای از ادله موافقین و مخالفین زوال حقّ مالکیت در نتیجه اعراض، وارد بحث تأثیر اعراض در حقوق مالکیت های فکری علی الخصوص حقّ اختراع می شویم.

### ۳-۱- ادله مخالفان با زوال مالکیت در اثر اعراض

مخالفان زوال مالکیت با دو دلیل، مخالفت خود را توجیه می کنند:

الف- اطلاق ادله مالکیت: به عنوان مثال، اطلاق حدیث «الناس مسلطون علی أموالهم» حاکی از این است که پس از ایجاد مالکیت، دیگر نمی توان از آن روی گردانید، و با این عمل مالکیت را زائل نمود.

ب- استصحاب بقای مالکیت: مقتضای اصل اولیه و قاعدهٔ استصحاب، این است که ملکیت با اعراض زایل نمی شود، و حیازت همان گونه که علت حدوث ملکیت است، علت بقای آن هم هست و دوام مالکیت منوط به دوام حیازت نیست (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۴۲)، لذا در صورت بروز شکّ در وجود مالکیت پس از اعراض، اصل بر بقای آن است (نراقی، ۱۴۲۹: ۱۵/۲۷۲-۲۷۳).

### ۳-۲- ادله موافقان با زوال مالکیت در اثر اعراض

الف- سیره عقلاء: سیره مستمرّ مسلمانان بر آن است که شیء اعراض شده را ملک محسوب نمی کنند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۴۲). امروزه کمتر کسی در خصوص امکان تملک اموالی که مالکین آنها نسبت به این اموال قطع علاقه کرده اند شکّ می کند. بر فرض مثال، امروزه رسم نیکویی بنا گردیده است که افراد و اشخاص خصوصاً در فصول سرد سال، لباس های خود را بر روی دیواری بنام «دیوار مهربانی» می نهند تا

۲۳ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷

نیازمندان، در خفا آن البسه را تملک نموده و مورد استفاده خود قرار دهند، و کمتر کسی در قابل تملک بودن این اموال شک می کند؛ این خود حکایت از تلقی عقلاء جامعه نسبت به امکان تملک اموال معرض عنه دارد.

ب- عمومیت حدیث سلطنت: بر خلاف مخالفان با زوال مالکیت در نتیجه اعراض، موافقان این حدیث معتقدند عموم حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» اقتضا دارد که ملک تحت تسلط مالک بوده؛ و عموم سلطه مالک نیز مستلزم امکان خروج آن از تحت تسلط اوست؛ چراکه سلطه به معنای کمال اختیار مالک نسبت به ملک است؛ و محدود نمودن مالک در خروج مال از ملکیت خود از طریق اعراض با این سلطه منافات خواهد داشت. لذا وقتی مالک می تواند از طریق انتقال مالکیت، و یا وقف، مال را از ملکیت خود خارج سازد، چرا نباید بتواند از طریق اعراض دست به چنین اقدامی بزند؟

ج- روایات منقول از ائمه (ع)

روایت اول: در خصوص غرق کشتی

از امام صادق (ع) منقول است که: «و اذا غرقت السفینه و ما فیها فأصابه الناس فما قذف به البحر علی ساحله، فهو لأهله و هم أحقّ به، و ما غاص علیه الناس و ترکه صاحبه فهو لهم: هرگاه کشتی و آن چه در آن است غرق شود، و اموال به دست مردم بیفتد، آن اموالی که دریا آنها را به ساحل افکنده، متعلق به صاحبانش خواهد بود، چراکه آنها در مالکیت، محقّ تر هستند، و آن اموالی که با غواصی به دست آورده اند و صاحبانشان آنها را رها کرده اند، متعلق به خارج کنندگان آن اموال است» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۵/۴۵۵).

از عبارت «و ترکه صاحبه» چنین استفاده می شود که تملک مال غرق شده توسط غواصان، مشروط به اعراض مالک است؛ لذا برخی معتقدند که این حدیث، صراحت در اعراض دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۷: ۱۰/۷۶).

روایت دوم: در خصوص فروش خاک زرگری

علی ابن میمون می گوید: «سألت أبا عبدالله (ع) یکنس من التراب فأبیعه فما أصنع به؟ قال: تصدّق به فإمّا لکّ و إمّا لأهله، قلت: فإنّ فيه ذهباً و فضةً و حديداً فبأی شیء أبیعه؟ قال: بعه بطعام، قلت: فإن کان لی قرابةً محتاج أعطيه منه؟ قال: نعم: از امام صادق (ع) پرسیدم: خاکروبه های زرگری را می فروشم با بهای آنها چه کنم؟ امام فرمودند: آن را از جانب خودت یا صاحبانش صدقه بده. گفتم: در آن طلا و نقره و آهن وجود دارد، به چه چیز آن را بفروشم؟ فرمودند: آن را با مواد خوراکی معامله کن. گفتم: اگر خویشان نیازمندی داشته باشم می توانم به آنها بدهم؟ فرمودند: آری» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۲۰۲/۱۸).

برخی از فقها دلالت این روایت بر اعراض را نیز قوی دانسته اند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۲۹/۷). شهید ثانی در مبحث بیع صرف، آنجا که دربارهٔ خاک زرگری تعیین تکلیف می کند، چنین می گوید: «اگر قرائن دال بر اعراض مالک وجود داشته باشد، زرگر می تواند آن اموال را تملک کند، همچون سایر اموالی که صاحبانشان از آنها اعراض می کنند؛ لذا براساس این نظر شهید ثانی، با ثبوت اعراض، مال از مالکیت اعراض کننده خارج می شود و دیگری می تواند آن را تملک نماید.

برخی نیز معتقدند این روایت اگر همراه با قرائن مفید علم همراه باشد، دلالت بر اعراض می نماید، به ویژه درباره اموالی که در عرف به طور معمول از آنها اعراض می شود، با توجه به عرف، ظن را نیز می توانیم معتبر بدانیم (محقق سبزواری، ۱۴۲۳: ۵۰۶/۱). برخی نیز گفته اند که وجه تردید در این که فرمودند: «إمّا لکّ و إمّا لأهله» اعراض و عدم اعراض مالک از آن است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۲۸/۱۸). بعضی دیگر نیز معتقدند که عبارت «إمّا لکّ» تنها در صورت اعراض واقعی مالک صحیح است که زرگر می تواند آن را تملک کند، و در غیر این صورت، باید متعلّق به مالکش باشد (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۹: ۱۹۱/۱-۱۹۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۳۴/۱۱)؛ لذا این عبارت دلالت بر تخییر نخواهد داشت.



امر به صدقه دادن، به دلیل جهل به اعراض و عدم آن است، لذا در صورت وجود نشانه‌هایی بر اعراض صاحب مال، زرگر مالک آن محسوب می‌شود؛ از اینرو تکلیف به صدقه دادن نیز حمل بر استحباب می‌شود و مؤید این مطلب نیز، عبارت «إمّا لك و إمّا لأهله» در فرمایش امام است (طباطبائی یزدی، ۱۴۲۹: ۱/۱۹۱).

روایت سوم: در خصوص لقطه حیوانات

از عبدالله بن سنان نقل شده است که امام صادق (ع) فرمودند: «من أصاب مالاً أو بعيراً في فلاة من الارض قد كلت و قامت (و سببها صاحبها ممّا لم يتبعه)، فأخذها غيره فأقام عليها و أنفق نفقه حتى أحيها من الكلال و من الموت، فهي له و لا سبيل له عليها و أنها هي مثل الشيء المباح: هر کس به مال یا شتری در بیابان برخورد کند که توان حرکت نداشته باشد، و صاحبش آن را به دلیل این که با او همراهی نکرده است، رهاش کرده باشد، و این شخص آن را با صرف هزینه و آب و علف توان بخشد، و از ناتوانی و مرگ نجات بخشد، مال او می‌شود، و مالکش دیگر بر او حقی نخواهد داشت، و همانند اموال مباح دیگر می‌شود» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴: ۱۳/۳۴۴).

برخی فقها با توجه به این که بر اساس این روایت، مال پس از اعراض از جمله اموال شبه مباح می‌گردد، خروج مال از مالکیت اعراض کننده را استنباط نموده‌اند (نجفی، بی تا: ۲۰۸/۳۶)؛ برخی دیگر نیز عبارت «و إمّا هي مثل الشيء المباح» را دالّ بر اعراض می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۰/۴۳۲).<sup>۱</sup>

در نقد ادله فوق نیز اولاً- استناد به قاعده تسلیط را مخدوش دانسته و عدم امکان اسقاط مالکیت توسط مالک را منافی با قاعده تسلیط نمی‌دانند؛ چراکه محدودیتی در اصل سلطه مالک ایجاد نخواهد کرد؛ و ثانیاً- اخبار و روایات نیز اعراض را موجب سلب مالکیت نمی‌دانند، چراکه این روایات عامّ و کلی نبوده بلکه فقط در مورد زمین و حیوان آمده و شامل همه اقسام اموال نمی‌شود؛ ثالثاً- در خصوص سیره عقلاء نیز

۱- در خصوص بحث‌های روایی و سندیت روایات مورد اشاره ر.ک: توکلی کیا، ۱۳۹۳: ۱۸۴-۲۰۸.

چون سیره دلیل لفظی نیست، عموم و اطلاق نداشته، و اگر هم شمول سیره برچنین امری را محقق بدانیم، بی گمان فقط در اشیای حقیر و بی ارزش خواهد بود. مضافاً این که ملازمه ای میان جواز تصرف متصرفان و خروج مال از ملکیت مالک موجود نیست (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

### ۳-۳- نتیجه بررسی ادله موافقان و مخالفان

از بررسی ادله موافقان و مخالفان چنین برمی آید، که مسأله عمده و اساسی در خصوص اعراض، همانا اثبات اعراض است، نه اثر آن بر خروج مال از ملکیت اعراض کننده؛ چراکه اگر ادله مخالفان را مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد که ایشان نیز اعراض را بی اثر نمی انگارند، بلکه در عین حال که اعراض را ترک تسلط و رها ساختن مال و بازگرداندن آن به مباحات اولیه می دانند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲۴۲) درباره این که با اعراض، ملکیت مالک از او زائل می شود یا این که همچنان باید او را مالک آن دانست، دچار تردید شده اند، که این تردید نیز به عدم آگاهی از نیت مالک بر می گردد. در بررسی ادله موافقین نیز مشاهده می شود که ایشان هم تمامی سعی خود را حول محور اثباتی اعراض مصروف داشته اند و تقریباً هیچ یک از ایشان وارد در بحث اصلی اعراض، یعنی اثر ثبوتی آن، که همانا خروج مال از ملکیت مالک باشد، نشده اند. شاید این امر به خاطر بدیهی بودن تأثیر اعراض در خروج مال از ملکیت مالک برای ایشان بوده است، که نیازی به طرح آن نمی دیده اند. لذا با توضیحاتی که بیان شد، تأثیر ثبوتی اعراض را باید خروج مال از ملکیت اعراض کننده دانست. به عبارت دیگر، در صورتی که اعراض، به شواهد و قرائن قطعی، از جمله اعلان صریح مالک، مسلم باشد، در خروج مال از ملکیت مالک نباید تردید کرد؛ «زیرا بنا بر اصل حاکمیت اراده، می توان به راحتی نظریه ازاله ملک را پذیرفت و دست کم در حدّ یک معاطات می تواند باعث اباحه تصرف دیگران باشد» (رضایی راد، ۱۳۹۰: ۱۳۶)؛ در نهایت، با توجه به قاعده اصولی «تقدم ادله اجتهادی بر

ادله فقهاتی»، می توان گفت با وجود روایات معتبری که از ادله اجتهادی هستند، استناد به استصحاب که از ادله فقهاتی است صحیح نیست، و در نتیجه، تنها با استناد به روایات و با فرض فقدان سایر ادله می توان اثبات کرد که اعراض یکی از طرق زوال مالکیت محسوب می شود (توگلی کیا، ۱۳۹۳: ۲۰۱).

حال با این حکم باید مشخص شود که بعد از اعراض، مال معرض<sup>۴</sup> عنه چه وضعیتی پیدا می کند؟ آیا از جمله اموال مباح می گردد یا این که باید آن را از اموال و مشترکات عمومی دانست؟ چراکه دخول مال معرض<sup>۴</sup> عنه در هریک از این عناوین، احکام خاصی را بر آن مترتب خواهد ساخت که کاملاً با هم متفاوت بوده و خصوصاً در امکان تملک بعد از اعراض، مؤثر خواهد بود؛ لذا شایسته است در این مقام به تأثیر اعراض بر وضعیت مال معرض<sup>۴</sup> عنه پردازیم و اثر آن را نسبت به انواع اموال اعم از مادی و غیر مادی مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۴- اثر اعراض بر وضعیت مال معرض<sup>۴</sup> عنه

از آنجا که بعد از ثبوت اعراض و خروج مال از مالکیت اعراض کننده، با مالی روبرو هستیم که مالک خاص ندارد در نتیجه، نباید از دو حال خارج باشد: یا باید آن را از جمله اموال مباح دانست و یا این که آن را داخل در اموال عمومی نمود. مباح دانستن این اموال بدین معناست که هر شخصی قادر خواهد بود تا نسبت به تملک آن اقدام نموده و با تصرف آن، حق عینی و انحصاری مالکیت، برای او مستقر گردیده و حتی مالک قبلی هم دیگر نمی تواند مدعی حقی نسبت به آن گردد. اما اگر مال معرض<sup>۴</sup> عنه را از اموال عمومی بدانیم، هیچ شخصی، حتی مالک قبلی هم حق تملک آن را نداشته و اساساً دیگر به مالکیت نیز در نخواهد آمد؛ بلکه عموم اشخاص می توانند طبق قانون به نحو یکسان، نسبت به آن بهره مند گردند. لذا برای بررسی این امر، باید بین اموال مادی و اموال فکری تفکیک نمود؛ چراکه با توجه به خصوصیات اموال فکری اثر اعراض نسبت به آنها متفاوت خواهد بود.

#### ۱-۴- اثر اعراض بر اموال مادی

با بررسی های به عمل آمده در خصوص اموال مادی، بر فرض ثبوت اعراض، تقریباً همه فقها و حقوقدانان اتفاق نظر دارند که مال معرض عنه داخل در اموال مباح گردیده و هر شخصی که زودتر آن را به عنوان مالکیت متصرف گردد مالک آن خواهد گردید (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۴۷۸/۱؛ شهیدی، ۱۳۷۷: ۷۲؛ امامی، ۱۳۷۷: ۳۸/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۲۵/۲). در آنجائی هم که عنوان شبه مباح به آن داده اند، نیز به خاطر شک در ثبوت اعراض بوده است، و گرنه عنوان شبه مباح، عنوان مستقلی از اموال نمی باشد. بنابراین با توجه به این که بارزترین خصوصیت اموال مباح که همان قابلیت تملک توسط اشخاص و استفاده انحصاری از آنها است، در اموال مادی معرض عنه موجود می باشد، می توان گفت اعراض از اموال مادی آنها را داخل در مباحات قرار خواهد داد.

#### ۲-۴- اثر اعراض بر اموال فکری

بر خلاف اموال مادی، اموال فکری، غیرقابل تصرف بوده و اشخاص متعدد می توانند در زمان واحد آنها را مورد استفاده قرار دهند؛ لذا امکان تصرف به عنوان مالکیت در اینگونه اموال وجود نداشته و بالطبع، قابل تملک از طریق تصرف مادی طبق قاعده تسلیط نمی باشند. به همین خاطر، بحث های گسترده ای در خصوص مالیت اینگونه از اموال در حقوق معاصر صورت پذیرفته است. در نهایت، قانون با قبول نوعی حق انحصاری نسبت به اینگونه اموال برای پدیدآوردگان آنها، این امکان را فراهم ساخته است تا از دست درازی و سوء استفادهٔ دیگران بدون کسب اجازه از ایشان جلوگیری به عمل آورد. تعریف گواهینامه اختراع در ماده ۳ قانون ثبت

---

۱- برای مطالعه بحث های مربوط به ماهیت حقوق مالکیت های فکری ر.ک: جعفرزاده میرقاسم، مبانی مشروعیت حقوق فکری، مجله حقوق و الهیات، بهار ۱۳۸۵، ش ۱۹، ۶۱-۹۶؛ حاتمی، علی اصغر، نگرشی بر حق مالکیت فکری، مطالعات حقوقی، پائیز ۱۳۷۴، و بهار ۱۳۷۵ شماره های ۲۱ و ۲۲؛ رحیمی، مرتضی، سلطانی، عباس علی، مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه، ۱۳۸۵، ش ۷۳، ۱۳۳-۱۷۲.

اختراعات مصوّب ۱۳۸۶ نیز این نظر را تقویت می کند این ماده اشعار می دارد: «گواهینامه اختراع سندی است که اداره مالکیت صنعتی برای حمایت از اختراع صادر می کند و دارنده آن می تواند از حقوق انحصاری بهره مند شود».

با توضیح فوق، در ادامه، امکان اعراض از حق اختراع، و سپس تأثیر آن بر این حق و متعاقب آن وضعیّت حق اختراع پس از اعراض مورد بررسی قرار می دهیم.

### ۱-۲-۴- امکان اعراض از حق اختراع

از آنجا که اعراض را سبب سقوط حق عینی دانسته اند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۵۰۲) و عینی بودن حق اختراع نیز محلّ تردید است؛ این سؤال مطرح است که آیا اعراض از حق اختراع نیز ممکن خواهد بود یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت: از آنجا که در بررسی های به عمل آمده، حقوق مالکیت فکری را نیز نوعی از حقوق عینی قلمداد کرده و با همین استدلال آن را قابل ترهین می دانند (محمودی، ۱۳۹۱: ۱۶۸) و از طرفی، در فقه نیز اعراض از حقوقی چون حق شفعه و حق خیار پذیرفته شده است، (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶: ۵۷۴/۱) و حقوقدانان نیز اعراض از حق انتفاع و ارتفاق و نظایر آن را پذیرفته اند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۸) پذیرش اعراض از حق اختراع قابل دفاع به نظر می رسد؛ «چرا که اعراض از حق اختراع به منزله این است که دارنده حق اختراع، از باقیمانده مدّت حمایت از استفاده انحصاری خود صرفنظر کرده است» (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۳) ولی حقوق غیر مالی او همچنان باقی و برقرار است. جدای از این که در سایر نظام های حقوقی از جمله انگلستان نیز اعراض از اموال محسوس و غیر محسوس را به طور کلی مورد شناسایی قرارداد داده اند؛ و کشورهایی مثل فرانسه و آمریکا و مصر نیز آن را پذیرفته (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۲/۲۵۱) و هر کدام احکامی را بر آن وضع نموده اند، لذا می توان به واسطه عاریتی بودن این رشته از حقوق در ایران، اعراض از حق اختراع در حقوق ایران را نیز پذیرفت.

مضافاً این که اعراض از حق اختراع در قانون ثبت علائم اختراعات مصوّب ۱۳۱۰ پیش بینی نشده بود، اما طبق ماده ۷ قانون ثبت اختراعات مصوّب ۱۳۸۶ متقاضی

قاعدهٔ اعراض و اثر آن بر زوال حق اختراع \_\_\_\_\_ ۸۰

ثبت اختراع تا زمانی که اظهارنامهٔ او برای ثبت اختراع مورد قبول واقع نشده باشد می تواند نسبت به استرداد آن اقدام نماید اما مسلماً استرداد را نمی توان به منزله اعراض دانست؛ حتی اگر چنین باشد این قانون در رابطه با اعراض از گواهینامه ثبت اختراع هیچ مقرره ای ندارد، ولی اخیراً (۹۵/۴/۲۷) نمایندگان مجلس طرحی را در حمایت از مالکیت صنعتی به مجلس تقدیم داشته اند و در کمیسیون حقوقی مجلس مطرح می باشد، که در این طرح، موضوع اعراض از اظهار نامه و گواهینامه ثبت اختراع مطرح گردیده و در صورت تصویب این قانون می توان گفت که اعراض از حق اختراع، صبغه قانونی به خود گرفته است و به تمامی بحث ها در خصوص امکان اعراض از حق اختراع پایان خواهد داد.

با این همه، به نظر می رسد با توجه به عمومات قانون مدنی، اعراض و اسقاط هر حقی به نحو جزئی مجاز بوده و می تواند یکی از موجبات زوال مالکیت محسوب گردد، اما بین اعراض اموال مادی و اعراض از حق اختراع تفاوت های اساسی وجود دارد که بدان می پردازیم.

## ۲-۲-۴- تأثیر اعراض بر حق اختراع

پیشتر در خصوص اختلاف نظر فقها در خصوص تأثیر اعراض بر خروج مال از ملکیت مالک بحث گردید، اما آیا اعراض در حق اختراع نیز چنین اثری را برجای می گذارد؟ اشکال در آنجاست که حق اختراع را نوعی حق مالکیت تلقی نمی کنند، بلکه آن را حقی انحصاری می دانند که برای پدیدآورنده، اعتبار شده است تا او بتواند از حاصل فکر و تلاش خود بهره مند گردد؛ لذا در صورتی که صاحب این حق بخواهد نسبت به اعراض از آن اقدام نماید، نمی توان گفت که حق مالکیت او نسبت به حق اختراع از بین می رود، بنابراین ناچار باید مانند اعراض از حق ارتفاق، آن را نوعی اسقاط حق تلقی نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۳۰۸)، در نتیجه، اثر اعراض در حق اختراع را باید سقوط حق انحصاری مخترع یا صاحب گواهینامه حق اختراع نسبت به دیگران

۸۱ ————— مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷  
دانست (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۳) و با این وصف، حمایت قانونگذار از او پایان یافته و حقوق مادی پدیدآورنده نیز به تبع آن از بین خواهد رفت.

### ۱-۲-۲-۴- طرق اعراض از حق اختراع

با توجه به این که در قانون ایران طریقی برای اعراض از حق اختراع پیش بینی نگردیده، لذا به واسطه غیر مادی بودن حق اختراع، تنها راه کشف اعراض مخترع یا صاحب حق از حق اختراع، انجام اعمالی بر خلاف منافع خود و یا اعلان صریح آن توسط ایشان می باشد. اگرچه برخی معتقدند که حتی با اعلان صریح مخترع نیز اصل بر حمایت قانونگذار خواهد بود و صرفاً در دعاوی نقض حق اختراع، ناقض حق اختراع، با اثبات اعراض مخترع می تواند از تبعات و مسئولیت های ناشی از نقض حق رهایی یابد (Etan, S.C. 2009 p. 301) ولی باید پذیرفت که اعلان صریح صاحب حق، اولین و یقینی ترین طریق برای کشف اعراض مالک است؛ لذا صحبت از حمایت قانونگذار پس از اعراض از حق اختراع، توجیه منطقی نخواهد داشت.

طرق دیگری که می تواند به منزله اعراض فعلی مالک قلمداد گردد، عدم پرداخت هزینه سالیانه ای است که طبق ماده ۱۶ قانون ثبت اختراعات مصوب ۱۳۸۶ هر پدیدآورنده ای برای تداوم حمایت از حق اختراع باید برای تمدید اعتبار اظهارنامه یا گواهینامه حق اختراع خود به اداره مالکیت صنعتی پرداخت نماید. چراکه ذیل همین ماده آمده است: «در صورتی که هزینه سالانه پرداخت نشود، اظهارنامه مربوطه مسترد شده تلقی و یا گواهینامه اختراع، فاقد اعتبار می شود.» لذا با توجه به ضمانت اجرای پیش بینی شده در این ماده مبنی بر لغو اعتبار گواهینامه اختراع، عدم پرداخت این هزینه را می توان دلیلی بر اعراض مالک دانست.

همچنین در طرح پیشنهادی اخیرالذکر مجلس نیز در بند ۴ ماده ۱۷۶ این طرح، آمده است در صورتی که چهار سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه و یا سه سال از تاریخ ثبت اختراع، هر کدام طولانی تر باشد، گذشته باشد، و دارنده گواهینامه بدون عذر موجه اقدام مؤثری جهت ساخت یا استفاده از آن در ایران انجام نداده باشد، هر ذینفع می

تواند نسبت به درخواست ابطال آن اقدام نماید؛ لذا عدم اقدام دارنده گواهینامه حق اختراع به مدت طولانی را نیز باید یکی از مصادیق اعراض دانست. اگرچه این ماده هنوز تصویب نشده و تا قبل از تصویب آن صدور چنین حکمی بلاوجه و با حقوق مکتسب افراد در تعارض به نظر برسد، اما متروک گذاشتن حق اختراع به مدت طولانی نیز یکی از مصادیق احتکار اختراع محسوب می شود (حاجی زاده، ۱۳۹۴: ۱۸) که خود یکی از بند های ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است که ضمانت اجرای آن طبق بند الف ماده ۵۱ همین قانون «توقیف فعالیت یا عدم اعمال حقوق انحصاری از جمله تحدید دوره اعمال حقوق انحصاری» است. بنابراین، اگرچه احتکار حق اختراع را نمی توان اعراض محسوب نمود ولی با استناد به قواعد حقوق رقابت می توان با آن مقابله نمود.

#### ۲-۲-۴- ماهیت حق اختراع معروض عنه

در نظام حقوق مالکیت صنعتی آمریکا و انگلیس، در صورت بروز هر یک از موجبات زوال حق اختراع، این حق که مال نیز محسوب می شود از مالیت نمی افتد بلکه به اموال عمومی تبدیل گردیده و در نتیجه، موجب دسترسی آزاد عموم نسبت به آن می گرد (Rechard, 2007: 114).

این قاعده در قوانین این کشورها تصریح گردیده<sup>۱</sup> و ماهیت قانونی به خود گرفته است، در حالی که در نظام حقوقی ایران تبدیل حق اختراع به اموال عمومی پس از اعراض، مستند قانونی نداشته و صرفاً به تقلید از حقوق آمریکا و انگلیس چنین نظری قوت یافته است (میرحسینی، ۱۳۸۷: ۳۰۳؛ صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۱۹) و تنها اخیراً در ماده ۷۱ طرح پیشنهادی تیر ماه ۱۳۹۵ به مجلس به امکان بهره برداری اشخاص از اختراعات زوال یافته اشاره ای جزئی شده، ولی در این ماده نیز مبنای استفاده از آن ذکر نگردیده است. لذا برای این که بتوان به این قاعده عمل نمود، ابتدا باید تعریف

۱- ماده ۴۱ قانون ثبت اختراعات آمریکا.



مختصری از اموال عمومی به دست داد و پس از تطبیق حق اختراع اعراض شده با سایر مصادیق اموال عمومی، حکم به تعلق حق اختراع اعراض شده به اموال عمومی نمود.

در تعریف اموال عمومی آورده اند: با دقت در مواد ۲۴، الی ۲۷ قانون مدنی، و اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی به نظر می رسد که اموال عمومی، اموالی است که برای نیازمندی های عمومی، اختصاص یافته یا در قوانین و مقررات، از آنها به عنوان انفال و ثروت های عمومی و تحت مالکیت عمومی یاد شده است (فتاحی، ۱۳۹۴: ۷۳) اما با این تعریف نیز نمی توان حق اختراع اعراض شده را از جمله اموال عمومی دانست؛ چراکه این اموال برای نیازمندی های عمومی اختصاص نیافته و هیچ قانونی نیز از آنها به عنوان انفال و ثروت های عمومی یاد نکرده است، بلکه در بادی امر، بیشتر ذیل ماده ۲۷ قانون مدنی، تحت عنوان مباحات قابل انطباق به نظر می رسند.

لذا برای تشخیص این که آیا حق اختراع پس از اعراض از مباحات است یا از جمله اموال عمومی است؟ باید معیار های تشخیص اموال عمومی را مورد بررسی قرار داد و سپس با تطبیق خصائص اموال فکری این موضوع را تبیین نمود.

### ۳-۲-۲-۴- معیار های تشخیص اموال عمومی

اولین ملاک تشخیص اموال و مشترکات عمومی در این است که طبیعت اموال عمومی با به ملکیت خصوصی درآمدن این اموال، منافات دارد و اموالی هستند که مورد استفاده عموم مردم قرار می گیرند و به همه مردم اختصاص دارند؛ مانند ساحل دریا و رودخانه های قابل کشتیرانی. معیار دیگر، مصرفی است که دولت برای این گونه اموال معین کرده است و باید دید اموال عمومی به چه منظور مورد بهره برداری قرار می گیرد و به تناسب این منظور، نوع مال را تشخیص داد. اموال عمومی به دو صورت مورد بهره برداری قرار می گیرد:

الف - بعضی از آنها به طور مستقیم و بی واسطه در دسترس عموم قرار گرفته است و هر کس با رعایت نظامات مخصوص، می تواند استفاده مطلوب نماید؛ مثل پل ها،

قاعدهٔ اعراض و اثر آن بر زوال حق اختراع \_\_\_\_\_ ۸۴

باغ ها، کاروان سراها و راه های عمومی. اما دولت از نظر اختیاری که در اداره مشترکات دارد، می تواند امتیاز بهره برداری از این اموال را برای مدت محدودی به شخص معینی واگذار کند.

ب - دسته دیگر به یکی از خدمات عمومی اختصاص یافته است و تنها بنگاه خاصی حق دارد از آن بهره برداری کند، مانند راه آهن و سیم های تلفن و تلگراف، که از مشترکات عمومی است و به سود عموم مورد استفاده قرار می گیرد.

بنابراین، تمام اموالی که به طور مستقیم یا با واسطه از طرف دولت برای رفع نیازمندی های عمومی اختصاص داده شده، از اموال عمومی است و سایر اموال دولتی، ملک دولت محسوب می شوند. از مفاد مواد ۲۴ تا ۲۷ قانون مدنی نیز چنین بر می آید که از همین قاعده پیروی شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۶۹-۷۰) لذا افراد جامعه نمی توانند در اموالی که داخل در مشترکات و مال عموم است همان تصرفی را نمایند که در اموال خصوصی خود می کنند (عدل، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۲).

#### ۴-۲-۲- ویژگی های اموال و مشترکات عمومی

قانون مدنی به نحو اجمالی، احکام مربوط به اموال عمومی و دولتی را بیان کرده و فقط دسته نخست را قابل تملک خصوصی ندانسته است. «از قابل تملک نبودن اموال عمومی می توان این نتایج را استنباط کرد:

الف- تملک به وسیله افراد صراحتاً در مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مدنی منع شده است.

ب- استفاده انحصاری از مشترکات عمومی بدون این که تملک شود، ممنوع است (امامی، ۱۳۷۷: ۴۱/۱ - ۴۳).

ج- دولت نمی تواند اموال و مشترکات عمومی را انتقال دهد، مگر این که قانون خاصی آن را اجازه دهد، زیرا امکان انتقال به اشخاص، با قابل تملک نبودن آنها منافات دارد.

د- اموال عمومی به سود طلبکاران دولت قابل توقیف نیست، زیرا بازداشت مالی که قابل تملک خصوصی نیست کاری بیهوده و مقدمه ای بی نتیجه و بی هدف است. دولت ها با وضع قوانین می کوشند تا از بازداشت سایر اموال دولتی جلوگیری کنند و رویه قضایی نیز برای حفظ نظم مالی دولت به این نتیجه تمایل دارد، ولی عدم امکان بازداشت اموال عمومی به هدف انتفاع و وصف انتقال ناپذیری آنها باز می گردد.

ه- تسلیط در اموال عمومی به عنوان دلیل مالکیت، قابل استناد نمی باشد؛ بدین معنا که قبل از لغو مرور زمان در اموال منقول و غیر منقول، در شرکتات عمومی مرور زمان جاری نبوده و اشخاص نمی توانستند به بهانه تصرف مستمر خود، آنها را به طور غیر مستقیم تملک کنند، ولی در سایر اموال دولت مرور زمان جاری می شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۶۷)؛ در این خصوص می توان به ماده ۳ قانون راجع به دعاوی بین اشخاص و دولت اشاره کرد که در خصوص دعاوی اشخاص علیه دولت نسب به اموال غیر منقول مرور زمان ۲۵ ساله تعیین کرده بود؛ در حالی که این مرور زمان نسبت به اموال عمومی برقرار نگردیده بود.

#### ۵-۲-۲-۴- دلائل تبدیل حق اختراع به اموال عمومی

با توجه به تعریف اموال عمومی و تفکیک آن از اموال دولتی و مباحات و همچنین با عنایت به ویژگی های اموال عمومی که فوقاً بدان اشاره شد، و کلیه مصادیق اموال عمومی که در مواد ۲۳ الی ۲۷ قانون مدنی آمده است، به نظر می رسد بتوان از این نظریه که حق اختراع پس از زوال در شمار اموال عمومی قرار خواهد گرفت، دفاع نمود. ذیلاً با توجه به ویژگی هایی که برای اموال عمومی برشمردیم، آن را با حق اختراع زوال یافته مورد تطبیق قرار می دهیم تا از این رهگذر، تبدیل اینگونه از اموال به اموال عمومی را اثبات کنیم.

الف- غیر قابل تملک بودن: با توجه به آن چه پیشتر بیان شد، با اعراض از حق اختراع، حتی شخص مخترع نیز نمی تواند مدعی مالکیت آن باشد، تا چه رسد به

اشخاص ثالث که بتوانند چنین ادعایی را مطرح نمایند. بنابراین اولین خصیصه اموال عمومی به نحوی بارز در چنین اختراعاتی مشهود بوده و قابل انطباق است.

ب- ممنوعیت استفاده انحصاری: گفته شد که قانونگذاران برای حمایت و تشویق اشخاص به تولید اموال فکری، دست به حمایت از مخترعین می زنند، و نمود بارز این حمایت، حمایت از استفاده انحصاری پدیدآورنده در مدت مشخص است. با اعراض حق اختراع و زوال آن، این حمایت دیگر ادامه نداشته و در نتیجه، وقتی پدیدآورنده خود قادر به استفاده انحصاری از پدیده فکری خود نباشد، به طریق اولی دیگران نیز امکان چنین استفاده ای را نخواهند داشت. لذا اموال مورد بحث دومین شرط لازم برای تحت شمول قرار گرفتن در شمار اموال عمومی را نیز حائز می باشند.

ج- غیر قابل انتقال بودن توسط دولت: مهم ترین دلیل غیر قابل انتقال بودن اموال فکری مورد بحث، غیر قابل تملک بودن آن است؛ چراکه وقتی مشخص شد که این اموال، قابلیت تملک ندارند، بالتبع قابل تملیک نیز نخواهند بود؛ مگر این که قانونی خاص در خصوص آن وضع شده باشد. مضافاً این که دولت صرفاً نوعی ولایت بر اموال عمومی داشته و حق انتقال آن به اشخاص را ندارد.

د- غیر قابل توقیف بودن توسط طلبکاران دولت: با توجه به نفی مالکیت دولت بر این اموال، طلبکاران او نیز قادر به توقیف آنها نخواهند بود.

ه- عدم قابلیت استناد به قاعده تسلیط: از آنجا که اموال فکری اساساً به واسطه ماهیت غیر مادی خود به نحو انحصاری قابلیت تصرف مادی ندارند، لذا با فرض استفاده طولانی مدت یک شخص از آن، هرگز نمی توان حکم به مالکیت استفاده کننده نسبت به آن نمود.

بنابراین، با توجه به این که تمامی ویژگی های اموال عمومی نسبت به اموال فکری مورد بحث نیز قابل انطباق بوده و از طرف دیگر، انطباق آن به اموال دولتی و یا مباحات به واسطه قابلیت تملیک و تملک مباحات و اموال دولتی با توضیحاتی که فوقاً

بیان شد، غیر ممکن خواهد بود؛ می توان به این نتیجه واصل گشت که علی القاعده کلیه اختراعاتی که گواهینامه حقّ اختراع آنان به دلیل اعراض زائل می گردند، در شمار اموال عمومی قرار گرفته و طبق حقّ دسترسی آزاد به اطلاعات (دهکردی، افراسیابی، ۱۳۹۴: ۷۵) هر شخصی می تواند آنها را به نحو رایگان مورد استفاده قرار دهد. لذا با این وصف، اگرچه در حقوق ایران، نصّ صریحی که بتواند حقّ اختراع زوال یافته در نتیجه اعراض را تحت شمول اموال عمومی قرار دهد وجود ندارد، اما با توجه به خصائص اموال عمومی، و انطباق کامل این اموال با حقّ اختراع زوال یافته، می توان گفت که اطلاق عنوان اموال عمومی برای اینگونه از اختراعات، دارای مبنای حقوقی بوده و قابل دفاع می باشد.

سؤالی که طرح آن در پایان این مقاله شایسته است، این است که آیا مخترع یا صاحب حقّ اختراع، پس از اعراض از حقّ اختراع، می تواند از آن عدول کند یا خیر؟ پاسخ به این سؤال با توجه به قواعد عمومی حاکم بر ایقاعات، منفی به نظر می رسد؛ چراکه ایقاع، به نفس انشاء واقع گشته و قابل برگشت و عدول نمی باشد. اگرچه برخی آن را تا قبل از تملک توسط دیگری، قابل عدول می دانند! اما در پاسخ به این سؤال نسبت به حقّ اختراع باید گفت، همان طور که در بالا بدان اشاره شد، اعراض در اموال مادی منجر به این می شود که آن اموال، داخل در مباحث گردند، و به همین لحاظ، مالک قبلی نیز چون سایر اشخاص، می تواند آن را به ملکیت مجدد خود درآورد، لذا عدول از اعراض که از ایقاعات است، تنها می تواند به معنای تملیک مجدد آن محسوب شود، نه این که اعراض را بی اثر گرداند. اما در خصوص اموال فکری باید گفت چون اعراض از اینگونه اموال، آنها را داخل در اموال عمومی می گرداند، در نتیجه، مالک قبلی نیز دیگر نمی تواند آن را تملیک نماید؛ بنابراین، پاسخ سؤال فوق منفی خواهد بود.

## نتیجه گیری

با بررسی های به عمل آمده در خصوص قاعده اعراض در فقه مشخص شد که علی رغم مخالفت هایی که در خصوص تأثیر اعراض بر خروج مال از مالکیت مالک از گذشته وجود داشته، پذیرش زوال مالکیت در نتیجه اعراض با توجه به ادله طرفداران این نظر، در حال حاضر بین حقوقدانان و فقهای معاصر با اقبال بیشتری مواجه است، لذا می توان گفت که در صورت ثبوت اعراض، مالکیت اعراض کننده نسبت به مال معرضٌ عنه زائل شده و در نتیجه، این مال پس از اعراض، دیگر مالک خاصی ندارد. اما نکته قابل توجه این است که پس از اعراض، وضعیت حقوقی اموال مادی معرضٌ عنه کاملاً با اموال فکری متفاوت است؛ چراکه مال معرضٌ عنه مادی تبدیل به اموال مباح شده و در نتیجه، توسط هر شخصی قابل تملک خواهد بود، اما با توجه به ماهیت اموال عمومی و معیار های تشخیص اینگونه از اموال و تطبیق آن با اموال فکری خصوصاً حق اختراع، پس از اعراض، علی رغم عدم تصریح قانونگذار به این امر، این اموال، در شمار اموال و مشترکات عمومی قرار گرفته و در نتیجه، غیر قابل تملک بوده و اشخاص صرفاً می توانند به نحوی که قانون مشخص می نماید از آن بهره مند شوند. از اینرو پیشنهاد می شود قانونگذار ابتدا امکان اعراض از اموال فکری را صریحاً مورد شناسایی قرار دهد و با توجه به تطابق اموال فکری معرضٌ عنه با اموال عمومی، عنوان اموال عمومی را بر آن نهد تا تکلیف وضعیت حقوقی این دسته از اموال نیز در حقوق ایران روشن گردد.

## منابع

- اصلانی، حمیدرضا (۱۳۸۱ش)، «حق اختراع با لحاظ موافقتنامه جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی» (TRIPS)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- امامی سید حسن (۱۳۷۷ش)، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۱۹، تهران: اسلامیه.

- ۸۹ \_\_\_\_\_ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷
- انصاری، مسعود، و طاهری، محمد علی (۱۳۸۸ش)، **دانشنامه حقوق خصوصی**، ج ۱، تهران: جنگل جاودانه.
- ایروانی، علی (۱۴۰۶ق)، **جمان السلك في الاعراض عن الملك**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توکلی کیا، امید (۱۳۹۳ش)، **تحلیل فقهی حدیثی اعراض از حق مالکیت**، فقه اهل بیت، ۷۷-۸۸، ۱۸۴-۲۰۷.
- دهخدا، علی اکبر، **لغتنامه دهخدا**، قابل دستیابی در آدرس اینترنتی.  
<http://www.jasjoo.com/books/wordbook/dekhoda/>
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶ش)، **الفارق**، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶ش)، **ترمینولوژی حقوق**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸ش)، **دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت**، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸ش)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، ج ۱، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جیلانی (میرزای قمی)، محمد بن حسن (بی تا)، **جامع الشتات**، ج ۲، تهران: شرکت رضوان.
- حاجی زاده، سارا (۱۳۹۴ش)، **احتکار اختراع**، تهران: مجد.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**، ج ۱۳ و ۱۸، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- حکیمی، محمد مهدی (۱۳۹۳ش)، **اموال عمومی و مشترکات**، فرهنگ علوم انسانی اسلامی پژوه، ۱۳۹۳، قابل دستیابی در آدرس؛ <http://pajoohe.ir>
- حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۹ق)، **إيضاح الفوائد في شرح إشکالات القواعد**، ج ۴، قم: المطبعة العلمیه.
- حلی (علّامه)، حسن بن یوسف (۱۳۷۴ق)، **تذکره الفقهاء**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- رضایی راد، عبدالحسین (۱۳۹۰ش)، **نگاهی کارکرد گرایانه به قاعده فقهی اعراض**، حقوق اسلامی، ۳۰، ۱۳۱-۱۵۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، **بازخوانی قاعده فقهی اعراض**، پژوهش های فقهی، ۲، ۳۸۹-۴۱۲.
- سبزواری، محمدباقر (۱۴۲۳ش)، **کفایه الاحکام**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سلیمان دهرکدی، الهام؛ افراسیابی، علی (۱۳۹۴ش)، **حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین المللی و ملی**، مطالعات بین المللی پلیس، ۲۱، ۷۵-۱۰۰.
- شعرانی (علّامه)، ابوالحسن (۱۳۸۵ش)، **شرح تبصره المتعلمین فی احکام الدین**، قم: اسلامیه.

قاعدهٔ اعراض و اثر آن بر زوال حق اختراع \_\_\_\_\_ ۹۰

- شهیدی، مهدی (۱۳۷۷ش)، سقوط تعهدات، ج ۴، تهران: حقوقدان.
- صافی گلپایگانی، علی (۱۴۲۷ق)، ذخیره العقبی فی شرح العروه الوثقی، ج ۱۰، قم: گنج عرفان.
- صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۸ش)، حق اختراع، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید علی (۱۴۱۲ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۹ق)، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۱، قم: طلیعه نور.
- عدل (منصور السلطنه)، مصطفی (۱۳۸۵ش)، حقوق مدنی، ج ۲، قزوین: طه.
- فتاحی مهدی (۱۳۹۴ش)، نسبت بین نظر های تفسیری شورای نگهبان و رویه قضایی دربارهٔ داوری راجع به اموال عمومی دولتی، دانش حقوق عمومی، ۱۱، ۶۹-۸۸.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۰۶ق)، الوافی، ج ۱۸، اصفهان: کتابخانه حضرت امیر المومنین (ع).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴ش)، اموال و مالکیت، تهران: یلدا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱ش)، حقوق مدنی (اعمال حقوقی و ایقاع)، تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰ش)، حقوق مدنی اموال و مالکیت، تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲ش)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ج ۸، تهران: میزان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵ش)، مقدمه علم حقوق، ج ۵۰، تهران: شرکت سهامی انتشار، بهمن برنا.
- مجلسی محمدتقی (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه کوشانپور.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۰ش)، قواعد فقه (بخش مدنی)، ج ۲، ج ۴، تهران: سمت.
- محمودی، اصغر (۱۳۹۱ش)، رهن اموال فکری در پرتو مقررات قانون مدنی و مطالعه تطبیقی، پژوهش های حقوق تطبیقی، ۱، ۱۵۷-۱۷۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق)، القواعد الفقهیه، ج ۲، قم: مدرسه امیر المؤمنین علی (ع).
- نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۹ق)، مستند الشعیه فی احکام الشریعه، ج ۱۵، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع).
- میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۷ش)، حقوق اختراعات، تهران: میزان.



۹۱ \_\_\_\_\_ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۸ - بهار و تابستان ۹۷

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (بی تا)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، ج ۳۶، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، ج ۱، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.

- Stim, Rechar, **patent copyright & trademark**, Consolidated Printer INC. 9<sup>TH</sup> ed. 2007.

- Etan S. Chatlyne, (2009), **The Burden of Establishing Patent Invalidity: Maintaining a Heightened Evidentiary Standard Despite Increasing Verbal Variances**, *Cardozo Law Review*, vo 1.3.1. Available at: <<https://papers.ssrn.com/sol3/paper/>>.

